PDF Compressor Free Version

چگونه تال آب‌ها، تالِ آتش شدند

آب‌های مرزی پشت سد دیپلماسی

اگر بگوییم آتشی که امروز دامن هورالعظیم را گرفته هم زیر سر برجام است، پر بیراه نگفته‌ایم یا شاید بهتر باشد بگوییم زیر سر «دیپلماسی افراطی فرامنطقه‌ای» است. روحانی هر چه آب در سبوی دیپلماسی خود داشت، پای مذاکرات هسته‌ای ریخت و وزارت خارجه‌اش هر چه ترفند دیپلماسی بلد بود از «لبخند» گرفته تا «تهدید» را خرج برجام کرد و در این بین سیاست‌های منطقه‌ای مغفول ماند؛ چنان مغفول که آب و حق آبه را از دست دادیم و آتش به جایش گرفتیم. همسایه‌ماهان سد پشت سد بنا کردند و آب مناطق مرزی در ظاهر پشت سدهای همسایه اما در واقع پشت سد دیپلماسی ماند.



محبوبه‌ولی، روزنامه‌نگار

کلمه هندی «تال» به معنی طبقی از مس، برنج، نقره یا طلاست و چه تعبیر زیبایی است برای تکه‌ای طبق مانند از زمین که آب درونش می‌درخشد. هندیان دو پیاله کوچک کم عمق از برنج که خنیاگران به هنگام خوانندگی آنها را برهم زنند و رقص کنند را هم تال می‌گویند؛ همچون پیاله‌های کوچکی از خاک ایران که زمانی تلالو آب داشتند و زندگی کنارشان جاری بود، سبزی بود و ماهی بود و رقص صیادها؛ اما حالا این تال‌های آبی، سرخ شده‌اند؛ به سرخی آتش!

هورالعظیم دو هفته است که در آتش می‌سوزد و باید گفت که در آتش غفلت و بی‌تدبیری می‌سوزد. تالاب بزرگ استان خوزستان که یک سومش در ایران است و دو سومش در عراق، روزگاری منبعی غنی از تنوع زیستی گیاهان و جانوران بود اما حالا به گاومیش‌ها هم رحم نمی‌کند.

آب این تالاب از رود دجله تامین می‌شود؛ همان دجله و فرات معروف در تراژدی عاشورا. سرآغازش در ترکیه است، از آنجا روانه عراق می‌شود و بعد از سیراب کردن زمین‌های عراق در نهایت به هورالعظیم یا به همان نام زیبایش هورالهویزه در غرب استان خوزستان می‌رسد. زمانی در آن حوالی پر بود از تالاب‌های کوچک و بزرگ که اقوام و تمدن‌های بین‌النهرین را دور خود جمع می‌کرد. اما حالا از آن همه کاسه‌های خاکی پر آب همین یکی مانده که آن هم آتش به جان شده است.

«گاپ» علیه گاو

«گاپ» عنوان پروژه سدسازی ترکیه است که سال‌هاست آن را شروع کرده و در ایران و عراق عامل همان آتشی شده که گاومیش‌ها را سوزانده. این «گاپ» ترک‌ها ۳۰ تا ۳۵ درصد آب دجله و فرات را حبس کرده است. با حبس این آبها، دیگر هورالعظیم نه آب دارد نه سبزه اما تا دلتان بخواهد گرد دارد و غبار. گیاه، لباس خاک است وقتی این پوشش از بین می‌رود، گرد و خاک که از بند چنین لباسی رها شده‌است، بلند می‌شوند و شهر را به هم می‌ریزند همانطور که خوزستان را به هم ریخته‌است.

با مهاجرت‌ها به مناطق مرکزی که به نوبه خود دردسرهای تازه‌ای می‌آفرینند، مناطق مرزی خالی از سکنه و تضعیف می‌شوند. این شرایط می‌تواند محرکی باشد برای دست‌اندازی دشمن خارجی بر کشور و عبور آسان آن از سپرهای شکسته مرزی و به زانو درآوردن کشور

علی رغم همه این تبعات، ترک‌ها اما از «گاپ» خود کوتاه نمی‌آیند. سال گذشته که کنفرانس بین‌المللی مقابله با گرد و غبار در تهران برگزار شد، رضا تکین، سفیر ترکیه در این کنفرانس تاکید کرد که ترکیه از حق حاکمیتی خود درباره آب‌هایش چشم‌پوشی نمی‌کند. ضمن اینکه ایران هم روی آب دجله در مرز ایران و عراق سدسازی کرده و در سی سال اخیر ششصد سد ساخته که مانع ورود آب به تالاب‌هایش می‌شود.

او ادامه داده بود: آب بسیار ارزشمند است، امروز یک بطری آب از یک بشکه نفت گران‌تر است و ملت‌ها تأکید دارند که آب حق ماست، حالا که آب از نفت هم گران‌تر است پس چرا نفت را با هم شریک نشویم؟!

نفت کجا و آب کجا؟

مدیرکل دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست که او هم در آن کنفرانس حضور داشت، ادعای سفیر ترکیه را به کلی رد کرد و گفت: این مدعا صراحتا تمام اصول محیط زیستی را زیر سوال می‌برد. آب یک کالای زیستی است ولی نفت کالای اقتصادی است و هیچ وقت نباید این دو را با هم مقایسه کرد.

محمد درویش آن روز به مشکل مشابه اتیوپی و مصر اشاره کرد و توضیح داد: در اتیوپی هم سال‌ها می‌خواستند بالادست نیل سدسازی کنند اما دولت مصر که آن زمان مقتدر بود و روابط خوبی هم داشت، اجازه نمی‌داد. با این حال به محض آن که در مصر انقلاب شد اتیوپی با کمک ایتالیا سدسازی روی نیل را انجام داد که اکنون فاجعه بزرگی را رقم می‌زند. یعنی همین استفاده‌ای که ترکیه از ضعف کنونی دولت عراق و سوریه می‌کند، اتیوپی هم آنجا کرد و آنجا هم اکنون بحث جنگ آب مطرح است.

اظهارات این دو طرف ترکیه‌ای و ایرانی در کنفرانس بین‌المللی مقابله با گرد و غبار نشان می‌دهد موضوع کاملا دیپلماتیک است. اما علی رغم اینکه معاون دبیرکل سازمان ملل در این کنفرانس گفت که سازمان ملل بستر گفتگو بین دو کشور را فراهم می‌کند، توفیق دیپلماتیکی در این زمینه حاصل نشد تا اینکه بالاخره عطش و گرمای سوزان هورالهویزه را آتش به دامن کرد.

بلای انگلیسی

آتشی که این غفلت از بحران‌های منطقه‌ای و کم‌توجهی به رتق و فتق آنها با همسایگان به پا کرده، فقط محدود به هورالعظیم نیست. منطقه سیستان هم تنش از این آتش سوخته است. او هم روزگاری تالی از آب داشت که سومین دریاچه بزرگ ایران بود و «هامون» میخواندندش. هزاران نفر گرداگرد وجود با برکتش زندگی می کردند، سالی ۱۲ هزار تن ماهی صید می‌کردند و ۱۴۰ هزار هکتار زمین کشاورزی را با آبش سیراب می‌کردند. اما حالا از آن هامون پربرکت جز زمینی خشک و تفتیده چیزی نمانده است.

این حال و روز بلایی است که انگلیسی‌ها به جان سیستان انداختند. وقتی در ۱۸۵۷ میلادی انگلیسی‌ها با تصرف بنادر خرمشهر و بوشهر و جزایر جنوب، ناصرالدین شاه را مجبور کردند که معاهده پاریس را بپذیرد، هرات از ایران جدا شد و بخشی از رود هیرمند را هم با خود برد. از آن زمان ایران کشوری به نام افغانستان را پذیرفت و مناقشه بر سر آب هیرمند آغاز شد. این مناقشات ادامه داشت تا سال ۱۳۵۱ که قراردادی میان امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت ایران و موسی شفیق نخست وزیر وقت افغانستان در کابل به امضاء رسید و مقرر شد در هر ثانیه ۲۶ مترمکعب آب (معادل ۸۵۰ میلیون مترمکعب در سال) سهم سیستان و دریاچه هامون باشد.

دیپلماسی فشار

اما رفته رفته افغانستان هم ولع سدسازی پیدا کرد و بدون پایبندی به معاهده بین‌المللی بر سر آب هیرمند، احداث سدها روی این رودخانه را مدتهاست که شروع کرده است تا جایی که به گفته احمدعلی کیخا، نماینده سیستان و بلوچستان در مجلس، در هفت ماهه اول سال آبی جاری، تنها سه میلیون متر مکعب آب از رودخانه هیرمند وارد کشور شده که نسبت به حق آبه ۸۵۰ میلیون مترمکعبی «هیچ» است.

سفیر ترکیه: آب بسیار ارزشمند است، امروز یک بطری آب از یک بشکه نفت گران‌تر است و ملت‌ها تأکید دارند که آب حق ماست، حالا که آب از نفت هم گران‌تر است پس چرا نفت را با هم شریک نشویم؟!

اردیبهشت امسال مجلس محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه را فراخواند تا توضیح دهد که چرا دستگاه دیپلماسی کاری برای حق آبه‌ای که افغانستان از ایران ضایع می‌کند انجام نمی‌دهد؟ او گفت که دو یادداشت اعتراضی به دولت افغانستان فرستاده است!

نمایندگان اما معتقد بودند که بستن آب به روی ایران با وجود یک معاهده بین‌المللی مورد قبول دو طرف، مسئله مهمی است که دولت باید بیش از پیش نسبت به آن حساسیت نشان داده و تنها به ارسال

در اتیوپی هم سال‌ها می‌خواستند بالادست نیل سدسازی کنند اما دولت مصر که آن زمان مقتدر بود و روابط خوبی هم داشت، اجازه نمی‌داد. با این حال به محض آن که در مصر انقلاب شد اتیوپی با کمک ایتالیا سدسازی روی نیل را انجام داد که اکنون فاجعه بزرگی را رقم می‌زند

نامه اعتراضی بسنده نکند.

ظریف هم تنها راهکار باقیمانده را اقدام متقابل و اعمال فشار عنوان و تاکید کرد: از دولت افغانستان توقع داریم قبل از آنکه جمهوری اسلامی ناگزیر به اقدام متقابل شود نیازهای به حق و قانونی ایران را مورد توجه قرار دهد.

به اندازه میزبانی‌مان هم سهم نداریم

ظریف آن روز در حالی مجلس را ترک کرد که نمایندگان به او تاکید کرده بودند، رویکرد دیپلماسی محیط زیست باید به صورت بسیار جدی و با اولویت در وزارت امور خارجه تعقیب شود. علی محمد شاعری، عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس معتقد است: معاهده جهانی برای کنترل آسیب‌های زیست محیطی لازم است همانگونه که کنوانسیون‌هایی چون کیوتو پیش از این منعقد شده اند. حبیب‌الله دهمرده، نماینده مردم زابل، زهک و هیرمند در مجلس هم امتیازاتی که ایران به افغان‌ها داده مانند پذیرش مهاجران افغان را یادآوری و اظهار تاسف می‌کند که علی رغم این امتیازات، هنوز بابت حق‌آبه مردم سیستان از رودخانه هیرمند قرارداد جامعی بین دو کشور منعقد نشده است.

او می‌گوید: حتی به اندازه آبی که این مهاجران افغان در ایران استفاده می‌کنند هم سهمی از آب هیرمند نمی‌بریم. علی رغم این اعتراض‌ها و دیپلماسی فشاری که ظریف از آن حرف زده بود، هنوز هم تکلیف این حق آبه روشن نشده است.

«آب‌باریکه‌ای» دیگر

بلای «آب‌باریکه»، خراسان را هم بی‌نصیب نگذاشته است. سال ۸۴، در شمال شرق خراسان رضوی، سدی در مرز ایران و ترکمنستان ساخته شد به نام سد دوستی. این سد ۶۷ درصد آب شرب شهر مشهد را از رودخانه هریرود که از افغانستان به سوی ایران جاری می‌شود، تامین می‌کرد.

اما افغانستان همین دو سال پیش، بزرگترین پروژه عمرانی خود یعنی سد سلما را با کمک هندی‌ها روی هریرود افتتاح کرد و اسباب نگرانی در مورد آب استان خراسان شد. پاسخ افغان‌ها به نگرانی ایرانی‌ها، این بود که به طور طبیعی افغانستان حق دارد در پروژه‌های ملی خود اولویت را داخل کشور و منافع درون افغانستانی تعریف کرده و سپس به دنبال انعقاد قراردادها و اثبات حسن همجواری‌ها باشد.

افغانستان پس از آن از تصمیمش برای ساخت سه بند دیگر روی هریرود هم خبر داد. خبری که حاکی از بند آوردن یکی از شریان‌های حیاتی استان پهناور خراسان است.

مبادا شراره آتش به دامن امنیت افتد

محرومیت مناطق مرزی از حق آبه‌ها، مشکلی نیست که فقط مربوط به آن مناطق خاص باشد. عطش و آتشی که بی‌آبی با خودش می‌آورد، به راحتی می‌تواند علاوه بر هورها، امنیت تمام کشور را هم بسوزاند. وقتی منابع آبی از دست می‌روند، بادهای موسمی ۱۸۰ روزه می‌تازند، ماهی‌ها می‌میرند و مراتع برهوت می‌شوند، نه می‌شود صید کرد و نه کشاورزی و نه دامپروری، همه خانه‌شان را می‌گذارند و می‌روند، مثل ۶۰۰ هزار نفری که در سال‌های اخیر سیستان را ترک کرده‌اند. آنهایی که مانده‌اند هم توان رفتن نداشته‌اند و در فقر و محرومیت روزگار می‌گذرانند.

با مهاجرت‌ها به مناطق مرکزی که به نوبه خود دردسرهای تازه‌ای می‌آفرینند، مناطق مرزی خالی از سکنه و تضعیف می‌شوند. این شرایط می‌تواند محرکی باشد برای دست‌اندازی دشمن خارجی بر کشور و عبور آسان آن از سپرهای شکسته مرزی و به زانو درآوردن کشور. از این رو مناطق مرزی همیشه باید مناطقی پرقدرت و پررونق باشند تا بتوانند به عنوان محکم‌ترین سپر در برابر تهاجمات خارجی عمل کنند.

تنظیم تب دیپلماسی با تب زمین

این فقط ایران نیست که در بحران آبی به سر می برد. تب ۴۰ درجه زمین را گرفته است و بسیاری از نقاط حتی سردسیر زمین نیز این روزها گرمایی بی‌سابقه را تجربه می‌کنند. اما فرق ایران با بقیه نقاط جهان این است که در خاورمیانه است؛ منطقه‌ای که ذاتا خشک و کم باران است و مهمترین شریان‌های آبی‌مان نیز با دو همسایه، عراق و افغانستان که از قضا سر و سامان درستی هم ندارند، مشترک است. از سویی ناقوس خطر بحران بی‌آبی در ایران بلند شده است که نمونه‌اش ماجرای خرمشهر بود. با احتساب تمام این عوامل به نظر می‌رسد دولت باید تب دیپلماسی منطقه‌ای‌اش را با تب داغ زمین هماهنگ کند. گرچه ماهی‌های تالاب‌ها مرده‌اند اما شاید اگر دولت دست بجنباند، بتواند ماهی زنده‌ای از این تالاب‌های سوخته بگیرد.

روی موج کوتاه

استثناهای «ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان»

نمایندگان مجلس روز گذشته با اصلاح قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان، مقامات مستثنی شده از این قانون را کاهش دادند. بر این اساس دارندگان اجازات خاصه مقام معظم رهبری، جانبازان بالای ۵۰ درصد، آزادگان بالای سه سال اسارت و فرزندان شهدا از شمول این قانون مستثنی هستند. همچنین رؤسای سه قوه، معاون اول رئیس جمهور، نواب رئیس مجلس و اعضای شورای نگهبان، وزرا، نمایندگان مجلس و معاونان رئیس جمهور نیز از استثنائات این قانون هستند.

رد پای بانک‌ها در فساد اقتصادی

عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران: امروزه برخی بانک‌ها بزرگترین بستر اقدامات در پرونده‌های فساد اقتصادی هستند. این بانک‌ها برای افاغنه، متهمان پرونده‌های اقتصادی یا افراد متوفی حساب بانکی باز می‌کنند، غافل از این که اقدامات پول‌شویانه توسط این افراد موجب می‌شود نقدینگی در لایه‌های مختلف پنهان شود؛ به گونه‌ای که اقدامات دستگاه قضایی در کشف ماهیت پول‌شویانه این وجوه دشوار گردد. در پرونده متهم «مظلومین»، متهم و بستگان و آشنایان وی حساب‌های بانکی متعددی داشته‌اند، به گونه‌ای که حتی با مسدود شدن حساب‌هایی با مبلغ ۳ میلیارد، معترض نگردیده‌اند. عدم مراجعه این افراد به بانک برای رفع مسدودی از حساب بانکی خود، رو نشدن دست پول‌شوهااست.

استیضاح؛ اهرم بی‌اثر

احسان قاضی‌زاده، عضو شورای مرکزی فراکسیون نمایندگان ولایی: اهرم نظارتی سوال و تذکر از بین رفته و حتی اخیرا اهرم استیضاح هم کارآیی خود را از دست داده و بی‌اثر شده است. در مجلس به راحتی امضاهای سئوالات و استیضاح‌ها گرفته و پس گرفته می‌شود؛ این وجهه مجلس را بسیار زیر سوال می‌برد. کاش ما یک مجلس حزبی و سیاسی داشتیم که دو جریان یعنی آدم‌هایی با تابلوها و حرف های مشخص می‌آمدند و کار می‌کردند، مثلا می‌گفتند این مجلس متشکل از سه یا دو حزب است، بعد اینها مثل همه کشورهای دنیا ائتلاف رسمی تشکیل می‌دادند اما الان در این مجلس حتی آدم‌هایی با یک تابلو وارد می‌شوند و تابلویشان را در داخل مجلس تغییر می‌دهند.

اطلاعات دادن به FATF خیانت به کشور است

محمد دهقانی، نماینده چناران: به برکت تلاش‌های شبانه‌روزی نخبگان اقتصادی و فرزندان انقلابی این ملت طرح‌های مفصلی برای برون‌رفت از وضع موجود آماده شده است. اینکه امروز کسانی اطلاعات مالی کشور و مبادلات ارزی ما را در اختیار FATF قرار دهند قطعا خیانت به کشور است. به ویژه که اکنون رئیس FATF معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا یعنی همان اتاق جنگ آمریکا علیه ایران است.

اول اقتصاد بعد حمایت از کودکان

حسینعلی حاجی دلیگانی، نماینده مردم شاهین‌شهر: در حال حاضر لایحه حمایت از کودکان اولویت ندارد. بله در این لایحه آمده اگر پدر و مادری فرزند خود را به تحصیل نفرستند مجرم‌اند. خیلی هم خوب، خیلی هم قبول. اما پدر و مادر نباید درآمد داشته باشند که شکم بچه خود را سیر کنند؟ در این شرایط از کجا ۵۰۰ هزار تومان بیاورند تا برای ثبت نام مدرسه بدهند؟ اولویت اول کشور در حال حاضر مسائل اقتصادی است که امروز مردم در تب آن می‌سوزند.

مراکز استقرار آمریکا در دسترس قدرت دفاعی ایران

سردار سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: تصورات باطل رئیس جمهور آمریکا در مقابل توانمندی‌های حیرت‌آور ملت قهرمان ایران و نیروهای مسلح هرگز عملی نخواهد شد. دشمنان به ویژه آمریکا که مراکز استقرار و منافع او در دسترس دفاعی ایران است بادم شیر بازی نکنند که با پاسخ محکم، غیر قابل تصور، پشیمان کننده و در سطح بسیار وسیع در منطقه و جهان مواجه خواهند شد.